



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب الأَطعمة و الأَشربة

درس ۱۲

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

مواد غذایی از طیف گسترده و گوناگونی برخوردار است. از این رو فقهای اسلامی در تبیین احکام این بخش و همچنین شناخت و تمییز نوع غیر مجاز و حرام از آنها، تقسیم‌بندی خاصی دارند که در درس گذشته مطرح گردید و بخش خوراکی‌های دریایی آن مورد بررسی قرار گرفت.

در این نوشتار و در ادامه درس پیشین، ضمن پاسخگویی به اشکال بر استدلال، سایر احکام مطرح شده را نیز مورد استدلال قرار خواهیم داد. در انتها نیز به بیان احکام حیوانات خشکی خواهیم پرداخت.

متن درس

قلت: ان ذلك لا ينافي حجية التعليل و جواز التمسك به، فانه على اى حال يستفاد منه عدم حلية غير السمك، غايته بالنسبة الى خصوص الربيثا يلتزم بحليتها و ان لم تكن من السمك^١ للروايات الصريحة فى جوازها.

٢- و اما تقييد حلية السمك بما اذا كان ذا فلس

فهو المعروف بين الاصحاب بل كاد يكون ذلك متسالما عليه بينهم . و تدل عليه الروايات الكثيرة التى من جملتها صحيحة محمد بن مسلم المتقدمة.

الا ان فى مقابل ذلك روايات تستفاد منها حلية ما ليس له فلس، كصحيحة محمد بن مسلم الاخرى : «سألت ابا عبدالله عليه السلام عن الجرى و المارماهى و الزمير و ما ليس له قشر من السمك حرام هو؟ قال لى : يا محمد اقرأ هذه الآية التى فى الانعام قل لا اجد فى ما اوحى إلىّ محرماً على....^٢ قال: فقرأتها حتى فرغت مرها فقال: انما الحرام ما حرم الله و رسوله فى كتابه و لكنهم قد كانوا يعافون اشياء فتحن نعافها»^٣ و غيرها.

و قد يجاب عنها اما بانه لا اعتبار بها بعد كثرة الروايات الدالة على تقيّد الحل بالفلس او بلزوم حملها على التقية. و كلاهما كما ترى، فان الجمع العرفى - بللحم على الكراهة - ما دام ممكنا فلا تصل النوبة الى ما ذكر، فان ذلك فرع التعارض المستقر المفروض عدمه.

و عليه فلا مناص لأجل ردها الا دعوى تسالم الاصحاب على خلافها و هجرانهم لمضمونها حتى قال صاحب الجواهر : «لاتنبغى الوسوسة فى الحكم المذكور خصوصا فى مثل هذا الزمان الذى يكاد يكون من ضرورى المذهب»^٤.

و اما انه اذا شك فى وجود الفلس يبنى على الحرمة فلاستصحاب عدمه.

و اما انه اذا شك فى فلسية الموجود يبنى على الحلية فلان مرجع الشك المذكور الى الشك فى سعة الحرمة و شمولها لمثل الحيوان المذكور فيبنى على البراءة.

٢. حيوان البر

الحيوان الذى يعيش فى البر تارة يكون اهليا و اخرى وحشيا . اما الاهلى فتحل منه الانعام الثلاث و الخيل و البغال و الحمير و ان كانت الثلاثة الاخيرة مكروهة . و اما الوحشى فيحل منه البقر و كبش الجبل^٥ و الحمر الوحشية و الغزلان و اليحامير.^٦

و هل ينحصر الحل - فى حيوان البر - بما ذكر؟ يشكك ذلك.

^١ . بيد ان الفيض الكاشانى فى الوافى، ج ١٩، ص ٤٢ ذكر ان الربيثا نوع من السمك.

^٢ . الانعام: ١٤٥.

^٣ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٤٠٤، الباب ٩ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٢٠.

^٤ . جواهر الكلام، ج ٣٦، ص ٢٥٠.

^٥ . كبش الجبل - على ما قيل - هو الضأن و المعز الجبليان.

^٦ . اليمحور حيوان شبيهة بالابل. و قيل هو دابة وحشية لها قرنان طويلان كأنهما منشاران ينشر بهما الشجر يلقيهما كل سنة.

توضیح

در درس گذشته دو ادعا مطرح شد:

۱. هر ماهی پولک‌دار حلال است.

۲. حکم سایر آبزیان^۱، حرمت است.

برای اثبات ادعای دوم به موثقه عمار تمسک شده که در آن از امام صادق (علیه السلام) راجع به ربیثا سؤال شد و امام (علیه السلام) فرمود: «آن را نخور چون ما آن را ماهی نمی دانیم»^۲. سپس این اشکال مطرح گردید که روایاتی وجود دارد که ربیثا را حلال می داند و جمع بین این دو دسته از روایات حمل نهی بر کراهت است، بنابراین معنای روایت عمار سباطی این است که ربیثا مکروه است چون ماهی نیست. در نتیجه نمی توان برای حرمت غیر ماهی ها به این روایت استدلال کرد؛ زیرا روایت دال بر حرمت نیست.

پاسخ به اشکال

حمل روایت ربیثا به کراهت منافاتی بل حجیت تعلیل در آن موثقه ندارد. در ذیل این روایت آمده است: «ما آن را ماهی نمی دانیم» و این تعلیل کافی است تا هر چیزی ماهی نباشد خوردن آن هم جائز نباشد، نهایت امر، این است که ربیثا با این که ماهی نیست با ادله خاص، حلال دانسته شده است.^۳

حرمت ماهی های بدون پولک

همان گونه که ملاحظه گردید، ادعای دوم این بود که غیر از ماهیان پولک دار، سایر آبزیان حرام هستند. یعنی هم غیر ماهی ها، و هم ماهی های بدون پولک حرام هستند. دلیل بر حرمت غیر ماهی ها موثقه عمار سباطی بود که گذشت. اما حرمت ماهیان بدون پولک، در بین اصحاب معروف و مشهور، و بلکه مورد تسالم است. روایات زیادی هم بین اصحاب معروف و مشهور، بلکه اجتماعی است که خوردن ماهی پولک دار جائز است و روایات زیادی هم بر آن دلالت دارد.

تعارض روایات

در مقابل روایات حرمت، روایات دیگری هم وجود دارد که خوردن ماهیانی بدون پولک را جائز می شمارد؛ مثل صحیححه محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) که دلالت بر حلیت ماهیان بی پولک دارد. بدین ترتیب این دو گروه روایت با هم تعارض پیدا می کنند.

راه حل های رفع تعارض

برای رفع تعارض مذکور دو راه پیشنهاد شده است:

^۱. یعنی ماهی های بدون پولک، و غیر ماهی ها.

^۲. همان طور که ملاحظه می گردد این روایت دلیل بر حرمت غیر ماهی است. اما دلیل حرمت ماهی های بدون پولک خواهد آمد.

^۳. البته مرحوم فیض، همین ربیثا را جزو ماهیان دانسته است. رک: واف، ج ۱۹، ص ۴۲.

راه اول؛ روایاتی که حلیت ماهی را به وجود فلس مقید کرده، زیاد هستند. پس روایات اندکی که ماهی بدون فلس را حلال می‌داند حجیت ندارد.

راه دوم؛ روایاتی که دلالت بر حلیت ماهی بی پولک دارند از روی تقیه صادر شده‌اند؛ یعنی چون فقهای اهل سنت معتقد به حلیت این ماهیان هستند، امام (علیه السلام) تقیه کرده است بنابراین روایاتی که موافق با عامه و تقیه‌ای است پذیرفته نمی‌شود.

مصنف هر دو راه را رد می‌کند و عقیده دارد هر جایی که امکان جمع عرفی نباشد نوبت به مرجحات باب تعارض می‌رسد، اما اگر امکان جمع عرفی باشد جایی برای مرجحات باب تعارض نیست. دو دسته روایت متعارض در بحث ما قابل جمع هستند و لذا نوبت به ترجیح با شهرت یا مخالفت عامه نمی‌رسد. لازم به ذکر است که دو نوع تعارض در روایات وجود دارد:

۱. تعارض بدوی

۲. تعارض مستقر

تعارض بدوی در جایی است که بتوان دو دلیل و روایت متعارض را از نظر عرفی با هم جمع کرد. حمل مطلق بر مقید حمل عام بر خاص، حمل ظاهر بر اظهر، همگی از موارد جمع عرفی است که در تعارض بدوی انجام می‌شود و دیگر نوبت به تعارض مستقر نمی‌رسد؛ در حقیقت تعارض مستقر نمی‌شود تا احتیاج به مرجحات باب تعارض مثل مشهور بودن روایت برسد، تعارض مستقر در مواردی است که امکان جمع عرفی نباشد.

چگونگی جمع عرفی بین روایات

در این دو روایت متعارض نهی، ظاهر در تحریم و جواز نص در ترخی ص است؛ بنابراین با وجود نص دست از ظهور برداشته می‌شود و حکم به جواز ماهیان بی پولک همراه با کراهت می‌گردد. در نتیجه دو جمع مذکور صحیح نمی‌باشد. اما این اشکال هست که باید ماهیان بدون پولک را حلال بدانیم.

حل اشکال

هر روایتی که مورد اعراض اصحاب واقع شده ضعیف و غیر قابل عمل است، هر چند آن روایت از نظر صحت و اعتبار دارای درجه بالایی باشد. وقتی دیده شد که با وجود این روایت اصحاب به آن عمل نکرده و به خلاف آن فتوا داده‌اند معلوم می‌شود در صدور آن از امام تردید داشته‌اند؛ بنابراین با کنار گذاشتن این دسته روایات جایی برای بحث تعارض یا جمع عرفی وجود ندارد.

تطبیق

قلت: ان ذلک لاینافی حجة التعلیل و جواز التمسک به، فانه علی ای حال یستفاد منه عدم حلیة غیر السمک، غایته بالنسبة الی خصوص الریثا یلتزم بحلیتها و ان لم تکن من السمک^۱ للروایات الصریحة فی جوازها.

^۱ . بیدان الفیض الکاشانی فی الوافی، ج ۱۹، ص ۴۲ ذکر ان الریثا نوع من السمک.

می‌گوییم: حمل بر کراهت منافات بلحجیت تعلیل و جواز تمسک به آن ندارد؛ زیرا از روایت فهمیده می‌شود غیر ماهی از حیوانات دریایی حرام است، اما نسبت به خصوص ریثا با این که از ماهیان نیست به جهت روایات خاص، قائل به حلیت می‌شویم.

۲- و اما تقييد حلیة السمک بما اذا كان ذا فلس فهو المعروف بين اصحاب بل کاد يكون ذلک متسالماً عليه بينهم. و تدل عليه الروایات الكثيرة التي من جملتها صحیحة محمد بن مسلم المتقدمة.

مقید کردن حلیت ماهی به پولک دار از آن، امر معروف و مشهور بین اصحاب بوده، بلکه بعید نیست متسالم علیه باشد. روایات زیادی نیز از جمله صحیحه محمد بن مسلم - که قبلاً گذشت - بر آن دلالت دارد.

الا ان فی مقابل ذلک روایات تستفاد منها حلیة ما ليس له فلس، كصحیحة محمد بن مسلم الاخری : «سألت ابا عبدالله عليه السلام عن الجری و المارماهی و الزمیر^۱ و ما ليس له قشر من السمک حرام هو؟ قال لی : یا محمد اقرأ هذه الآية التي فی الانعام قل لا اجد فی ما اوحى إلى محرماً علی....^۲ قال: فقرأتها حتی فرغت منها فقال: انما الحرام ما حرّم الله و رسوله فی کتابه و لكنهم قد كانوا یعافون اشياء فنحن نعافها»^۳ و غیرها.

ولی در مقابل این دسته از روایات، روایات دیگری وجود دارد که بر حلیت ماهی بدون فلس دلالت دارد، مانند صحیحه دیگری از محمد بن مسلم که از امام صادق (علیه السلام) پرسید حکم جرّی، مارماهی و زمیر و آبزیانی که پولک ندارند چیست؟

امام فرمود: «ای محمد این آیه را در سورة انعام بخوان : «بگو در آنچه به من وحی شده در خوردنی ها حرامی را نیافتم...» من آیه را تا به آخر قرائت کردم، امام فرمود : حرام فقط چیزهایی است که خداوند و رسولش در قرآن حرام کرده‌اند، لکن برخی از اشیا را کنار گذاشته‌اند ما نیز آنها را کنار می‌گذاریم». و روایات دیگری نیز در این مورد وجود دارد.

و قد یجاب عنها اما بانه لا اعتبار بها بعد كثرة الروایات الدالة على تقيّد الحل بالفلس او بلزوم حملها على التقية. از این دسته از روایات دو پاسخ داده‌اند:

الف: با وجود روایات زیادی که حلیت را مقید به وجود فلس کرده این روایت ساقط است.

ب: مضمون روایت موافق با فتوای عامه است؛ پس باید به توقیه حمل می‌شود.

و كلاهما كما ترى، فان الجمع العرفی - بالحمل على الكراهة - ما دام ممكناً فلا تصل النوبة الى ما ذكر، فان ذلک فرع التعارض المستقر المفروض عدمه.

۱. «جرّی ماهی کشیده و درازی است که فلس ندارد و پوستش تابان و نرم است و یهود نیز آن را نخورند و زمیر - بر وزن سکیت - نوعی ماهی است که آن را ماهی آبنوس گویند. و مارماهی نوعی حیوان دریایی است که روی بدنش به جای قشر و فلس لعاب غلیظی دارد که آن را از گزند و آسیب خارجی حفظ می‌کند و اگر آن را از روی بدنش بزدایند می‌میرد.

۲. الانعام: ۱۴۵.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۰۴، الباب ۹ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ۲۰.

اشکال این است که با وجود جمع عرفی بین دو دسته از روایات، نوبت به این گونه از جمع ها نمی‌رسد؛ زیرا این گونه جمع‌ها فرع تعارض مستقر است که در مقام ما محقق نیست.

و علیه فلا مناص لأجل ردها الا دعوی تسالم الاصحاب علی خلافها و هجرانهم لمضمونها حتی قال صاحب الجواهر : «لاتنبغی الوسوسة فی الحکم المذكور خصوصا فی مثل هذا الزمان الذی یکاد یکون من ضروری المذهب»^۱.

بنابراین تنها پاسخ این است که اصحاب از این روایات اعراض کرده اند و بر عدم عمل به مضمون آنها اتفاق دارند به گونه‌ای که صاحب جواهر فرمود : سزاوار نیست در حکم مذکور وسوسه شود به ویژه که در این زمان به حد ضروری مذهب رسیده است.

استدلال ← «غیر ماهی» حرام است، زیرا در موثقه سماعه، حرمت ریثا به عدم ماهی بودن آن تعلیل شده است.

ان قلت ← به جهت ورود روایاتی دیگر درباره ریثا، می‌فهمیم ریثا حرام نیست. پس استدلال به روایت ریثا برای حرمت غیر ماهی صحیح نیست.

قلت ← حرام نبودن ریثا اشکالی در حجیت تعلیل و تمسک به آن ایجاد نمی‌کند و در هر حال تعلیل دلالت بر حرمت غیر ماهی دارد. حداکثر این است که ریثا با وجود ماهی ماهی نبودن، به دلیل خاص حلال می‌باشد.

این حکم بین اصحاب معروف است. و بعید نیست متسالم علیه باشد.

روایات زیادی بر آن دلالت دارد از جمله صحیح محمد بن مسلم

روایاتی نیز داریم که بر خلاف آن (یعنی بر حرمت ماهی بدون فلس) دلالت دارد.

روایات عدم حرمت بیشتر است.

این روایات حمل بر تقیه می‌شود

نظر مصنف: اصحاب از آن اعراض کرده‌اند پس قابل عمل نیست.

حلیت ماهی، منوط به فلس دار بودن آن است

پذیرفته نشده است، زیرا

Sco1: ۲۱: ۴۶

شک در وجود پولک در ماهی

اگر در این شک شد که آیا ماهی پولک دارد یا نه، بنابر عدم فلس – و در نتیجه حرمت ماهی – گذاشته می‌شود. این استصحاب را به دو گونه می‌توان تقریب کرد:

استصحاب عدم ازلی؛ به این معنا که وقتی این آیزی را خدا خلق نکرده بود پولکی نداشت، اکنون نمی‌دانیم آیا پس از خلقتش پولک دار شد یا نه، عدم پولک دار شدنش را استصحاب می‌کنیم. استصحاب عدم نعتی؛ به این معنا که وقتی این آیزی در حالت تخم یا کرم بود پولک نداشت، اکنون نمی‌دانیم پس از آنکه شکل ماهی به خود گرفت پولک دار شد یا نه، عدم پولک دار شدن او را استصحاب می‌کنیم.

۱. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۵۰.

مطلب دیگر این است که اگر چیزی در بدن ماهی موجود باشد اما شک شود که آیا پولک است یا نه بنابر حلیت گذاشته می شود؛ زیرا شک می شود که آیا این ماهی حلال است یا حرام . شک در تکلیف به وجود می آید؛ زیرا مرجع شک این است که آیا دایره حرمت حیوانات دریایی آنقدر وسیع است که شامل چنین حیوانی هم بشود یا آنقدر وسیع نیست که شامل این حیوان شود. بنابراین اصل برائت جاری می شود و حکم به حلیت می گردد.

۲. حیوانات خشکی

حیوانات خشکی دو دسته هستند:

(الف) حیوانات اهلی

(ب) حیوانات وحشی

در حیوانات اهلی انعام ثلاث یعنی گاو و گوسفند و شتر حلال هستند . سه حیوان دیگر از حیوانات اهلی مکروه هستند؛ یعنی اسب و قاطر و الاغ . حیوانات وحشی حلال عبارتند از: گاو وحشی، قوچ کوهی، الاغ وحشی (که به آن گورخر می گویند)، آهو و یحامیر (که به آن گوزن می گویند). بقیه حیوانات موجود در خشکی غیر از پرندگان حرامند. اما انحصار حلیت به حیوانات نامبرده مشکل است و باید درباره آن بحث شود.

تطبیق

و اما انه اذا شک فی وجود الفلّس یبنی علی الحرمة فلا تصحاب عدمه.

اگر شک شود آیا حیوانی آبزی پولک دارد یا نه، حکم به عدم فلس می شود. این به دلیل استصحاب عدم فلس است.

(و در نتیجه، اثر شرعی آن یعنی حرمت مترتب می گردد).

و اما انه اذا شک فی فلسیة الموجد یبنی علی الحلیة فلان مرجع الشک المذكور الی الشک فی سعة الحرمة و شمولها لمثل الحيوان المذكور فیبنی علی البراءة.

اما اگر شک در پولک بودن آنچه بر پوست ماهی است داشته باشیم در این صورت به حلیت فتوا می دهیم؛ زیرا شک ما به این برمی گردد که آیا دلیل حرمت آنقدر توسعه دارد که شامل چنین حیوانی شود یا نه، بنا را بر برائت از حرمت می گذاریم.

حیوان البر

حیوان خشکی

الحيوان الذی یعیش فی البر تارة یكون اهلیا و اخری وحشیا.

حیوانی که در خشکی زندگی می کند به دو قسم اهلی و وحشی تقسیم می شود.

اما الاهلی فتحل منه الانعام الثلاث و الخیل و البغال و الحمیر و ان كانت الثلاثة الاخيرة مکروهة.

از حیوانات اهلی چهارپایان سه گانه (گاو، گوسفند، شتر)، اسب، قاطر و الاغ حلال گوشتند، اگر چه خوردن گوشت سه حیوان اخیر مکروه است.

و اما الوحشی فیحل منه البقر و كبش الجبل^۱ و الحمر الوحشیه و الغزلان و الیحامیر^۲.
 از حیوانات وحشی گاو وحشی، قوچ کوهی، گورخر، آهو و گوزن حلال هستند.
 و هل ینحصر الحل - فی حیوان البر - بما ذکر؟ یشکل ذلک.
 آیا حلیت در حیوانات خشکی منحصر به آنچه گفته شد می باشد؟ مشکل است.

شک در وجود فلس ← بنا بر حرمت ← زیرا: استصحاب عدم
 شک در مورد ماهی
 شک در فلس بودن موجود ← بنا بر حلیت ← زیرا: اصل عدم حرمت این حیوان (برائت)

حلال ← چهارپایان سه گانه (گاو - گوسفند - شتر): اسب، قاطر، خر (سه مورد اخیر مکروه)
 اهلی
 حرام ← سایر حیوانات اهلی
 حیوانات خشکی
 حلال ← گاو وحشی، قوچ کوهی، الاغ وحشی، آهو، گوزن
 وحشی
 حرام ← سایر حیوانات خشکی

Sco2: 29:01

^۱ . كبش الجبل - علی ما قیل - هو الضأن و المعز الجبلیان.

^۲ . الیحمور حیوان شبیه بالابل. و قیل هو دابة وحشیه لها قرنان طویلان كأنهما منشاران ینشر بهما الشجر یلقیها کل سنة.

چکیده

۱. موثقه عمار ساباطی، دلالت بر حرمت غیر ماهی دارد، حتی اگر مورد روایت (یعنی ریثا) را حرام ندانیم.
۲. این که فقط ماهی فلس دار حلال است. بین اصحاب معروف بوده و بعید نیست متسالم علیه باشد. روایات زیادی نیز از جمله صحیح محمد بن مسلم بر آن دلالت دارد.
۳. تعدادی روایت وجود دارد (از جمله صحیح دیگر از محمد بن مسلم) که در مقابل روایات قبلی، ماهی بدون فلس را حلال می‌داند.
۴. روایات دال بر حلیت ماهی بدون فلس را نپذیرفته‌اند، به دو بیان: بیان اول: این روایات کمتر هستند ولی روایات دال بر حرمت کثرت داشتند. در نتیجه در مقام تعارض، از این روایات دست بر می‌داریم (شاذ هستند).
- بیان دوم: روایات دال بر حلیت، موافق با عامه هستند و در مقام تعارض، حمل بر تقیه شده و کنار گذاشته می‌شوند.
۵. مصنف دو جواب مذکور را صحیح نمی‌داند؛ زیرا دو جواب مبتنی بر تعارض مستقر هستند در حالی که با جمع عرفی بین دو دسته روایت، تعارض استقرار پیدا نمی‌کند و نوبت به مرجحات باب تعارض نمی‌رسد.
۶. به نظر مصنف، چون روایات دال بر حلیت، مورد اعراض اصحاب واقع شده، فلذا کنار گذاشته می‌شوند (بدین گونه نه بحث تعارض مطرح می‌شود و نه جمع عرفی).
۷. علت این که هنگام شک در وجود فلس، بنابر حرمت می‌گذاریم، استصحاب عدم است.
۸. علت بناء بر حلیت، هنگام شک در فلسیت موجود، اصل عدم حرمت (برائت) است.
۹. از حیوانات اهلی در خشکی، گوسفند، گاو، شتر، اسب، قاطر و الاغ حلال گوشتند.
۱۰. از حیوانات وحشی در خشکی، گاو وحشی، قوچ کوهی، گورخر، آهو و گوزن حلال هستند.